

ایستادشهر

سال سی و ششم، شماره سوم
مرداد شهریور ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۳

چو یا جهانش بخش | رسول جعفریان | سیدعلی میرافضلی | سیدرضا باقریان موحد | عبد الجبار رفاعی / محمد سوری
زهرا آقابابی خوزانی | سیدعلی کاشفی خوانساری | مهدی عسگری | حمیدرضا تمدن | امید حسینی نژاد | حیدر عیوضی
آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | میلاد بیگدلو | سید احمد رضا قائم مقامی | مجید جلیسه | علی راد
محمد شهسوار | عارف نوشاهی / شیوا امیرهدایی | مریم حسینی | علی نیک زاد | سیدعلی موسوی
غلامحسین خدري | علی ایمانی ایمنی | علی کاملی | فرهاد طاهری | سهیل یاری گل دژه | امید طبیب زاده | سید محمد عمادی حائری

مگر ز مضر به گنجان «بشیر» می آید | مقتل الحسین (ع) ابو حاتم، محمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴)

رباعیات شهر آشوب حسن دهلوی | معرفی نشریه اتاق آبی

از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۲) | از ازدواج تا طلاق: روی و پشت یک سند

روابط قصه گویان دینی و حاکمان سیاسی | امامزاده حضرت شاه زندو (ع)

محمد عابد الجابری و نقد عقلانیت عربی | خراسانیات (۶) | آینه های شکسته (۱۰)

یادداشت های لغوی و ادبی (۵) | اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نویشتگان (۱۴) | یادداشت های شاهنامه (۸) | چاپ نوشت (۲۰) | از شیعه علی (ع) تا دین علی (ع)

طومار (۱۲) | قصص الأنبياء در میراث اسلامی | المستخلص

تحفة البرره مجدالدین بغدادی در آثار شمس الدین محمد الأطعانی | کتابخانه یعنی غنای زنده زاینده

نقد ترجمه فارسی مابعد الطبیعه ارسطو اثر شرف الدین خراسانی

مروری بر تخلفات گسترده در پژوهش | تحلیل روشمند ادعاهای انتحال در حوزه فلسفه اسلامی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه وِلک (۲)

♦ در میانه حکایت و تصحیف

تحفة البره مجدالدین بغدادی در آثار شمس الدین محمد الأطعانی

عضو وابسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی | مریم حسینی

| ۴۷۳ - ۴۸۷ |

۴۷۳

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

چکیده: کتاب تحفة البره فی مسائل العشرة از آثارى است که در میان عارفان پس از قرن ششم هجری مورد توجه و استناد بوده است. این کتاب نوشته مجدالدین بغدادی (۵۵۴-۶۰۶ ق.) از چهره‌های برجسته عرفان و تصوف است که بعدها نام وی را در زمره پیران طریقت کبرویه جای دادند. تحفة البره در متون عرفانی پس از خود بسیار تأثیرگذار بوده و سالکان طریق به طریقت آن اقتدا کرده و مطالب آن را در کتابهای خود آورده‌اند. در این پژوهش به اهمیت این کتاب نزد شمس الدین محمد بن احمد الحلبي البسطامی الأطعانی (۷۴۸-۸۰۷ ق.) از عارفان قرن هشتم توجه می‌شود و بخش‌های منقول از کتاب تحفة البره در دو کتاب تذکرة المرید لطلب المزیّد و روضة الحیور و معدن السوروی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. نقل از کتاب تحفة البره در حدود دویست سال پس از نگارش آن، نشان از اهمیت و ارج آن نزد عارفان دارد. جز این الأطعانی تأثیر این کتاب را می‌توان در آثار دیگر عارفان از شرق تا غرب سرزمینهای اسلامی، در کتاب خیرالمجالس حمید قلندر تا منارات السائرین نجم رازی و مجالس عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن اسفراینی مشاهده کرد.

کلیدواژه‌ها: تحفة البره فی مسائل العشرة، مجدالدین بغدادی، شمس الدین محمد بن احمد الحلبي البسطامی الأطعانی، سلسله کبرویه، ادبیات صوفی.

Tuḥfat al-Barrara of Majd al-Dīn Baghdādī in the Works of Shams al-Dīn Muḥammad al-Aṭʿānī
Maryam Hosseini

Abstract: The *Tuḥfat al-Barrara fī Masā'il al-ʿAshara* by Majd al-Dīn Baghdādī (554–606/1159–1209) is among the most important works produced by Sufi masters after the 6th/12th century. Baghdādī, a prominent mystic later counted among the spiritual guides of the Kubrawīyya order, exerted wide influence through this text. The work deeply impacted later Sufi writings, with seekers of the path following its guidance and integrating its materials into their own treatises. This study focuses on the significance of the *Tuḥfat al-Barrara* for Shams al-Dīn Muḥammad b. Aḥmad al-Ḥalabī al-Buṣṭāmī al-Aṭʿānī (748–807/1347–1405), a distinguished mystic of the 8th/14th century. It examines passages transmitted from Baghdādī's work in his *Tadbkirat al-Murīd li-Talab al-Mazīd* and *Rawḍat al-Ḥubūr wa-Maʿdīn al-Sūrūr*. The fact that the *Tuḥfat al-Barrara* was cited nearly two centuries after its composition in the western Islamic lands demonstrates its enduring value and authority among mystics of those regions. Beyond Ibn al-Aṭʿānī, the influence of the *Tuḥfat al-Barrara* can also be traced in the works of other mystics: from *Khayr al-Majālīs* by Ḥamid Qalandar to *Manārāt al-Sāʾirīn* by Najm Rāzī in the eastern Islamic lands, and in Baghdad within the assemblies of ʿAbd al-Raḥmān b. Muḥammad b. ʿAbd al-Raḥmān Isfārāyīnī.

Keywords: *Tuḥfat al-Barrara*; Majd al-Dīn Baghdādī; Shams al-Dīn Muḥammad al-Aṭʿānī; Kubrawīyya order; Sufi literature; intertextual receipt.

دربارهٔ مجدالدین بغدادی

ابوسعید شرف بن مؤید، از عرفای اواسط قرن ششم و اوایل قرن هفتم، از مریدان شیخ نجم الدین کبری و خود از پیران برجستهٔ روزگار بود. او از مردم بغدادی یکی از نواحی خوارزم بود که یاقوت آن را بغیدید یا بغداد کوچک نامیده است.^۱ مجدالدین در نامه ای خود را بغدادی نامیده^۲ و در تاریخ به همین لقب شهرت یافته است. او به فرمان محمد خوارزمشاه به جیحون افکنده و شهید می‌شود. محمد عوفی صاحب تذکرهٔ لباب الالباب با او دیدار داشته و از وی چنین یاد میکند:

«الشیخ الامام الشهيد مجد الملة والدين قطب المشايخ شرف بن المؤيد البغدادي رحمه الله

شیخ شیوخ مجدالدین بغدادی کان فضل و آبادی بود، در علم طب ابدان، مسیح زمان، و نادرهٔ کیهان و در خدمت ملوک و سلاطین روزگار قربتی تمام یافته بود ناگاه برق محبت الهی بر اطلال و رسوم نهادِ او بجست و جملگی تجمل و مهتری او را بسوخت، بلکه هستی او را محو کرد، از سر جملگی دنیا برخاست و در خدمت شیخ نجم الدین کبری ملازم شد و پانزده سال در خوارزم ریاضت‌های شگرف کرد و آخر الامر شیخ الشیوخ حضرت خوارزم شد و هرگز در خوارزم کس را آن مکنت نبوده ست که او را بود و آخر الامر به سعادت شهادت رسید و روزی در خوارزم از لفظ مبارک او شنیدم. غزل: هر آن کسی که ز هجران سپر بیندازد ز عشق خویش به عشق کسی نپردازد...»^۳

توصیف وی را از زبان مرید یگانه اش در تفسیر عین الحیات بشنویم:

شیخی و شیخ العالم... ابوسعید شرف بن المؤید بن ابی الفتح البغدادی الملقب بالمجد رضی الله عنه و قدس الله روحه؛ خدمته بخوارزم خمس سنین، و أخذت منه طريقة السلوك و السير الى الله، و لی منه خرقه الولاية و اجازتها و اجازة الحديث و الروایت، ملازم فی خدمته، متشرفاً بصحبته الى أن استشهد ليلة الاثنين آخر، جمادی الآخر سنة ست و ستماية بَرَدَ الله مضجعه...^۴

۱. معجم البلدان، یاقوت حموی یاقوت بن عبد الله. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۰، ج ۱/ ص ۶۰۲.

۲. نامه مجدالدین بغدادی به شمس الدین، دستنویس مجلس شورای اسلامی شماره ۵۹۸ ص ۳۶۳

۳. تذکرهٔ لباب الالباب، عوفی، محمد بن محمد، به اهتمام ادوارد گرانویل براون. مصحح و مقدمه نویس محمد بن عبد الوهاب قزوینی، جلد: ۱، صفحه: ۲۹۲، ۱۳۶۱ ه. ش.، تهران - ایران، کتابفروشی فخر رازی

۴. تفسیر بحر الحقائق والمعانی فی تفسیر القرآن، نجم الدین رازی، دستنویس کتابخانهٔ حسنی پاشا، تاریخ ۶۴۷ ق. شمارهٔ مکرر ۳۷، ص ۴.



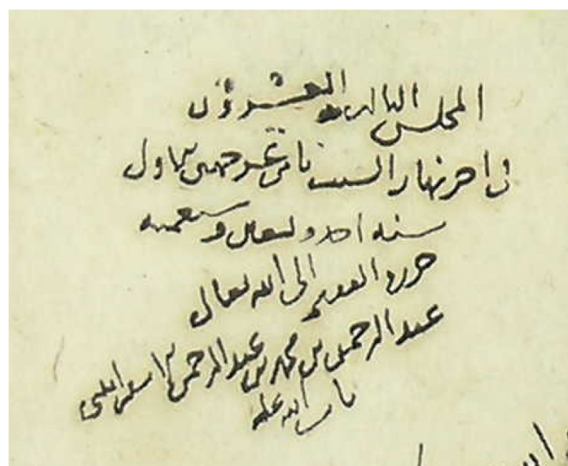
۴۷۶

آينه پژوهش | ۲۱۳
سال | ۳۶ شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

اهمیت کتاب تحفة البره

تحفة البره فی مسائل العشره مهم‌ترین کتاب مدون مجدالدین بغدادی (م. ۶۰۶ ق.) به زبان عربی است که از آن نسخه‌هایی در کتابخانه‌های جهان موجود است. این کتاب تا قرن‌ها مورد توجه صوفیان عالم اسلام بوده و ارجاعات بسیاری به آن شده است. این کتاب در تمام سرزمین‌های اسلامی شناخته شده بوده است. در نواحی شرقی در شبه قاره حمید قلندر در ملفوظات چراغ دهلی حکایتی از این کتاب را نقل می‌کند.^۱ نجم رازی مرید مجدالدین بغدادی و صاحب کتاب مرصادالعباد نیز در کتاب منارات السائرین و مقامات الطائرین فصلهایی از کتاب را از روی کتاب تحفة البره رونویسی کرده و عیناً با ذکر منبع و تیمنا و تبرکا فصلهایی را به این کتاب اختصاص داده است.^۲ و دستنویسی از این کتاب موجود است که نشان می‌دهد عبدالرحمن بن

محمد بن عبدالرحمن اسفراینی^۳ (۷۲۲-۷۹۷ ق.) نوۀ عبدالرحمن اسفراینی و از بزرگان معرفت در سال ۷۹۱ ق. در بغداد بر آن حاشیه نوشته و این کتاب را به مجلس‌های بیست و سه گانه‌ای تقسیم کرده، که احتمالاً جهت تدریس در خانقاه و مدرسه خود از آن سود می‌برده است.^۴ او در آخرین حاشیه اش بر متن تحفة البره نوشته است:



۴۷۷

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۱. خیرالمجالس ملفوظات حضرت شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلی، حمید قلندر، ۱۹۵۹، با تصحیح و مقدمه و تعلیقات خلیق احمد نظامی، انتشارات مسلم یونیورسیتی گده، ص ۲۶۶.
۲. منارات السائرین و مقامات الطائرین، نجم الدین رازی، تصحیح سعید عبدالفتاح، قاهره: دارسعاد، ۱۹۹۳. ص ۴۰۴. و منارات السائرین و مقامات الطائرین، نجم الدین رازی، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه: ۲۰۰۴، ص ۱۵۶.
۳. جز اینکه این عبدالرحمن عارفی نامدار و صوفی ای بزرگوار بوده باید از نقش سیاسی او در سفارت میان احمد جلالیر و تیمور گورکانی یاد کرد که شرح آن را جلالی نایینی در مقاله ای به تفصیل آورده و از نقش پراهمیت وی در حفظ دارالسلام بغداد سخن رانده است. سفارت نورالدین عبدالرحمن اسفراینی، محمدرضا جلالی نایینی، نشریه وزارت امور خارجه ایران، شماره ۱۰، دوره دوم. همچنین بنگرید به: مشاهیر رجال اسفراین، غلامرضا فسنگری، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱، صص ۱۵۹-۱۶۳.
۴. تحفة البره، دستنویس کتابخانه قره چلبی زاده، شماره ۳۵۳ صص ۷۷-۷۸.

المجلس الثالث والعشرون. فی آخر نهار السبت، ثامن عشر جمادی الاولی سنه احد و تسعين و سبعمائه. حرّره الفقیر الی الله عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن اسفراینی. تاب الله علیه.

تحفة البرره کتابی است که به درخواست یکی از دوستان مجدالدین بغدادی در پاسخ به ده پرسش نگاشته شده است. این ده پرسش همواره در زمره مهم ترین پرسش های عارفان در طول تاریخ بوده است. در این کتاب مجدالدین بغدادی پاسخی به پرسش های یکی از مریدانش به نام احمد بن علی بن مهذب خواری/خوارزمی^۱ دارد. وی در این پرسش ها مهم ترین مسائل مربوط به صوفیه درباره اعمال و عقاید صوفیان را از مجدالدین بغدادی پرسیده است. موضوعات ده گانه مورد پرسش از این قرار است:

باب اول: در آداب متصوفه و چگونگی احوال و معاملات ایشان. باب دوم: در لباس صوفیان. باب سوم: در شیخیت و حقیقت آن و ده خصلت که شیخ باید دارا باشد. باب چهارم: در حقیقت ارادت و نیاز مرید به مراد و ده خصلت که مرید باید دارا باشد. باب پنجم: در چگونگی خلوت و عزلت نشینی و اذکاری که باید بر آن مواظبت نمود. باب ششم: در شیوه مواجهه با خواطر و وارداتی که در هنگام مشاهدات و حالات به ذهن و ضمیر سالک می رسد. باب هفتم: در اصل و سند خرقة و اهلیت سالک برای دریافت آن. باب هشتم: پاسخ به این پرسش که آیا سلب تکلیف برای سالک که در عالی ترین مراتب سلوک است ممکن است؟ باب نهم: پاسخ به این پرسش که آیا انحراف از تکالیف شرعی و دوری از واجبات ممکن است؟ باب دهم: در حکم هم نشینی با حاکمان ستمکار و نشست و برخاست با پادشاهان.

ذیل فصل دهم مجدالدین بخشی را به مسئله «سماع» اختصاص داده است.

چاپ و ترجمه های کتاب

این کتاب توسط محمدباقر ساعدی خراسانی به زبان فارسی برگردانده شد و در سال ۱۳۶۸ منتشر شد. براساس همین ترجمه و به پیشنهاد ساعدی خراسانی ترجمه منظومی از آن هم توسط سیدصدرالدین شهیدی صورت گرفت که با عنوان ره آورد خوبان منتشر شد. البته ترجمه فارسی دور از سهو و اشتباه نیست و مترجم به صلاحدید خودش بخشی از کتاب را حذف یا به بخشی دیگر عباراتی افزوده است. بویژه تعصب مذهبی وی را بر آن داشته که بیشتر مطالب

۱. در برخی نسخه ها نام پرسنده خواری و گاه خوارزمی ثبت شده است.

مربوط به سه خلیفه نخست را حذف کند و جملات احترام آمیزی را در توصیف حضرت علی (ع) بیفزاید. این کتاب اخیراً در بیروت منتشر شده است اما نگارنده هنوز به این کتاب دسترسی پیدا نکرده است. همچنین عنوان رساله دکتری خانم طاهره فیضی دانش آموخته دوره دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب در سال ۱۳۹۹ «تصحیح و تحقیق کتاب تحفة البره فی المسائل العشره نوشته مجدالدین بغدادی به همراه مقدمه تحلیلی» بوده است.

درباره ابن الأطعانی و آثار او

یکی از عارفانی که در مناطق غربی سرزمینهای اسلامی می زیست و همواره کتاب تحفة البره مجدالدین بغدادی را با خود داشت شمس الدین محمد الأطعانی الحلبی البسطامی (م. ۸۰۷ ق.) است. او نسب خود را به بایزید بسطامی میرساند ولی زادبوم وی شهر حلب بوده است. دو نسخه به خط خود وی باقی مانده است که در انجامه آن خود را چنین معرفی میکند:

شمس الدین محمد بن احمد بن محمد، الحلبی مولداً، بابن الأطعانی مشتهراً، البسطامی طریقه و مشرباً^۱. (۷۴۸ - ۸۰۷ ق.) از مشاهیر علمای قرن هشتم هجری در حلب بوده است. هرچند پدران وی از خاندانی بسطامی و خراسانی بودند اما مولد و موطن وی حلب بوده است. او طریقت خود را نیز بسطامی می داند که از طریق خرقة و ذکر آن را دریافته است. زرکلی او را چنین معرفی میکند:

«محمد بن احمد بن محمد بن ابی الفتح ابن ابی سالم، شمس الدین بن الأطعانی البسطامی الحلبی. در شهر حلب در شعبان ۷۴۸ چشم به جهان گشود و در سال ۸۰۷ در همان شهر از دنیا رفت. او نزد الزین البارینی تحصیل فقه کرد. نیابت قضا را به وی پیشنهاد کردند که نپذیرفت. به بیت المقدس رفت و خرقة تصوف را از عبدالله بسطامی دریافت نمود و بارها در مکه مجاور شد و در حلب در زاویه ای بیرون دروازه الجنان گوشه گیری اختیار کرد»^۲.

ابن اطعانی خود را از نسل و سلسله بایزید بسطامی می داند که اجداد وی به نواحی غربی سرزمین های اسلامی مهاجرت کرده بودند. ظاهراً فرقه بسطامیه در خانقاهی در حلب جایگاهی به نام بسطامیه از آن خود داشته اند. در ترقیمه کتاب روضة الجبور ومعدن السرور می نویسد که کتاب را در زاویه بسطامیه حلب نوشته است.

۱. تذکره المرید لطلب المزیّد، دستنویس شماره ۲۲۵۰، کتابخانه دانشگاه پرینستون.

۲. اعلام زرکلی، ج ۵: ۳۳۰



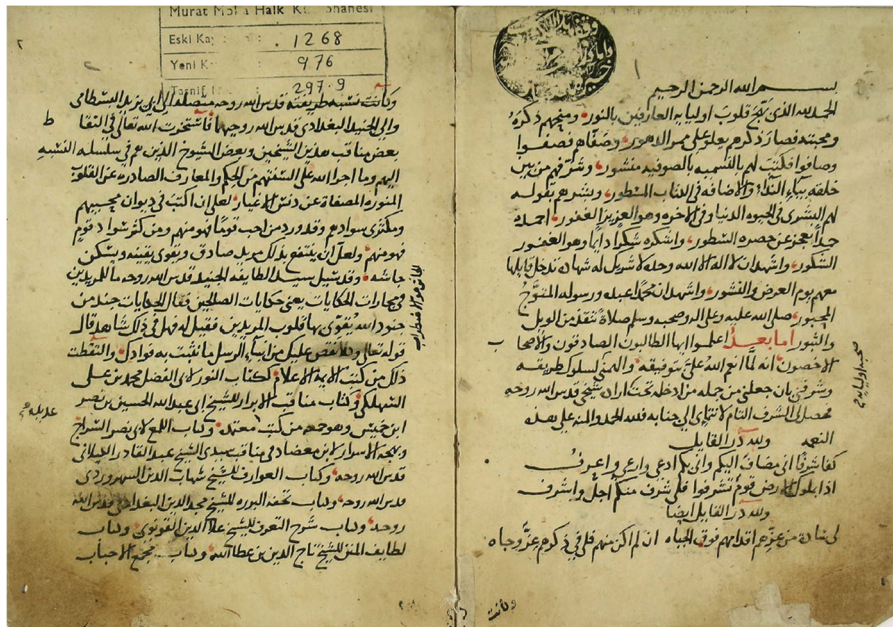
دستنویس تذکره المرید در کتابخانه پرنستون به شماره ۲۲۵۰ به خط اطعانی تاریخ ۷۹۷ق.

۴۸۰

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴



صفحه نخست روضه المحبور و معدن السورور کتابخانه مرادملا ۱۲۵۶ تاریخ ۷۹۷ق.

ابن الأطعانی در کتاب روضة الجبور ضمن یادآوری کرامات و مقامات جنید بغدادی و بایزید بسطامی تلاش می‌کند تا نسب خود و خاندانش را از طریق ذکر و خرقة به جنید بغدادی و بایزید بسطامی برساند. او در گزارشی که از سلسله تلقین ذکر خود می‌دهد بارها یادآوری می‌کند که ذکر وی به طریق جهر بوده است. ابن الأطعانی هم در تذکرة المرید و هم در روضة الجبور سند سلسله تلقین ذکر و خرقة خود را ذکر کرده است. در متن از کتاب روضة الجبور و معدن السرور ادعای اطعانی که سند خرقة خود را از طریق بایزید بسطامی به پیامبر (ص) می‌رساند می‌آید. پس از آن در مورد تلقین ذکر مشایخ خود می‌نویسد که از طریق جنید به حسن بصری ختم می‌شود.

«القسم الاول: فی ذکر بیان طریقنا فی ذلك إلى الشيخ أبي يزيد قدس الله روحه.

ألسنی شیخی - قدس الله روحه - خرقة التشبيه، وخرقة الإرادة، وخرقة التصوف فی أوقات مختلفة، وأحوال متباينة، ولقننى ذکر لا إله إلا الله جهرًا، وهو لبسها وتلقن ذکر الجهر من شیخه الشيخ على البسطامی، وهو لبس وتلقن من شیخه الشيخ قوام الدين البسطامی، وهو أحد جميع ذلك من والده الشيخ جمال الدين عبد الحميد البسطامی، وهو أخذهما من والده الشيخ نجم الدين فضل الله، وهو أخذهما من عمه الشيخ جلال الدين مسعود، وهو أخذهما من عمه الشيخ بجد الدين شاهنشاه، وهو أخذهما من والده الشيخ جمال الدين عبد الحميد، وهو أخذهما من والده الشيخ جمال الدين على، وهو أخذهما من والده الشيخ عزيز الدين عبد العزيز، وهو أخذهما من والده الفقيه الشيخ جمال الدين عبد الحميد وهو أخذهما من والده الشيخ الوحيد الفريد قطب الرجال وكوكب الإقبال برهان الموحدين وإمام العارفين شيخ المشايخ أبي عبد الله محمد بن على الداستاني البسطامی، وهو أخذهما من الشيخ حسن الدرزجی، وهو أخذهما من الشيخ أبي بكر أمهان، وهو أخذهما من الشيخ إبراهيم كيسان، وهو أخذهما من الشيخ عمى أبي موسى، وهو أخذهما من عمه برهان الموحدين، وسلطان العارفين الشيخ أبي يزيد البسطامی، وهو صاحب الإمام جعفر الصادق، وهو صاحب أباه محمد الباقر، وهو صاحب [١،٩٣] أباه زين العابدين وهو صاحب أباه الحسين، وهو صاحب أباه الإمام أمير المؤمنين على بن أبي طالب رضی الله عنهم أجمعين، وهو صاحب رسول الله ﷺ تسليمًا كثيرًا.

القسم الثاني: فی ذکر بیان طریقنا بالذکر الشریف من طریق الجنید قدس الله روحه

لقننى شيخنا قدس الله روحه ذکر كلمة لا إله إلا الله حفيًا بحركات ثلاث وأربع وهو تلقن الذکر الشریف من شیخه الشيخ علاء الدين البسطامی، وهو تلقن من شیخه الشيخ قوام الدين البسطامی، وهو تلقن من شیخه الشيخ قاسم السيرجانی، وهو تلقن من شیخه الشيخ عبد الله

البلياني، وتلفن من شيخه الشيخ أصل الدين الشيرازي، وهو تلقن من شيخه الشيخ ركن الدين السجاسي، وهو تلقن من شيخه الشيخ قطب الدين الأبهري، وهو تلقن من شيخه الشيخ شهاب الدين السهروردي، وهو تلقن من عمه وشيخه الشيخ أبي النجيب السهروردي وهو تلقن من شيخه الشيخ أحمد الغزالي، وهو تلقن من شيخه الشيخ فرج الزنجاني، وهو تلقن من شيخه الشيخ أحمد الأسود، وهو تلقن من شيخه الشيخ ممشاد الدينوري، وهو تلقن من شيخه الشيخ أبي القاسم الجنيد، وهو تلقن من شيخه وخاله سري السقطي، وهو تلقن من الشيخ معروف الكرخي، وهو تلقن من شيخه الشيخ داود الطائي، وهو تلقن من شيخه الشيخ حبيب العجمي، وهو تلقن من شيخه الشيخ حسن البصري قدس الله أرواحهم^۱.

کتاب دیگر ابن الأطعانی که تذکرة المريد لطلب المزيّد نام دارد که در آن با استعانت از کتاب های پیشینیان تلاش می کند تا دستینه ای عرفانی درخور فراهم آورد. او این کتاب را در سال ۷۹۷ق. تألیف کرده و تک نسخه بازمانده از آن در کتابخانه پرنستون نگهداری می شود. در ترقیمه این کتاب خود را چنین معرفی می کند: «محمد بن احمد بن محمد الحلبي مولدا و باین الأطعانی مشتهرا و البسطامي طريقة و مشرباً» (ابن الأطعانی، ۷۹۷ق. ۵۹).



صفحه پایان تذکرة المريد کتابخانه پرنستون تاریخ ۷۹۷ق.

۴۸۲

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۱. دستنویس روضة الحبور و معدن السور، مراد ملا ۱۲۵۶، ۹۴-۹۵. و روضة الحبور و معدن السور، تصحیح احمد فرید المزیدي، قاهره: داره الکریز، ۲۰۰۴ ص ۱۹۸.



صفحه آغاز تذکره المريد كتابخانه پرينستون تاريخ ۷۹۷ق.

از ديگر آثار اوست: تحفة الطالب المستهام في رؤية النبي عليه الصلاة والسلام. بغية الطالب لأعز المطالب، المقدمة في اصول الدين^۱.

۴۸۳

آينه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهريور ۱۴۰۴

ابن الأطعانی و تحفة البره^۲

ابن الأطعانی در دو کتاب خود یعنی روضة الحبور و معدن السرور في مناقب الجنيد بغدادی و ابی یزید طيفور و کتاب تذکره المريد لطلب المزيد از کتاب تحفة البره مجدالدین بغدادی بسیار استفاده کرده است. وی در بخش های مرکزی کتاب تذکره المريد بندهای فراوانی از کتاب تحفة البره را بدون هیچ دخل و تصرفی نقل می کند. نخستین بخش از فصل پنجم کتاب تحفة البره که در موضوع خلوت و عزلت است نقل می شود. ابن الأطعانی این بندها را که درباره تلقین ذکر شیخ است در فصل دوم کتاب خود که درباره آداب ذکر است می آورد^۳.

بخشهای دیگری که از کتاب تحفة البره برگرفته یکی در موضوع خواطر است که فصل ششم کتاب تحفة البره و فصل سوم کتاب ابن الأطعانی را تشکیل می دهد. ابن الأطعانی در بخشی از

۱. الضوء اللامع ج ۸۱/۷ و اعلام النبلاء ۱۴۴/۵ - ۱۴۷

۲. لازم به یادآوری است که خانم فیضی در رساله دکتری خود در صفحه ۱۸ به کتاب تذکره المريد لطلب المزيد و تأثیر تحفة البره بر آن در یک جمله اشاره کرده است.

۳. تحفة البره، دستنویس ایاصوفیه ۱۶۹۵، ص ۴۱ و ۴۲ و تذکره المريد، دستنویس پرينستون، شماره ۲۲۵۰، ص ۲۴

این فصل از کتابش مطالب باب ششم تحفة البرره را از ابتدا تا حدود دو سه صفحه کامل نقل می‌کند. او طبقه‌بندی مجدالدین را پیشنهاد می‌کند و انواع خواطر را براساس کتاب وی برمی‌شمرد. خواطر نفسانی، شیطانی، ملکیه، قلبیه، روحیه، شیخیه و الهامیه^۱.

بخش دیگری که به طور مستقیم از کتاب تحفة البرره نقل می‌شود در همان باب سوم است که در باب الباس خرقه و اسناد آن است. البسطامی یادآوری می‌کند که مجدالدین فصل مشبعی در این باب آورده که بخشی از بندهای آن را که اتفاقاً در نقد مشایخی است که حب جاه و مال ایشان را مریدپرست کرده، نقل می‌کند. در این بخش مجدالدین نقلی از کتاب کشف المحجوب دارد که البسطامی آن را نیز عیناً از کتاب تحفة البرره می‌آورد^۲.

«فأما لغيرهم الذين نبغوا في زماننا أمثالهم فيحرصون على لباس الخرقه لإثبات الشيخية وحب الجاه والحرص على كثرة المریدين. فلا والله بل سنة الله تعالى أن تظهر آثار الشقاوة على مریدهم في الدنيا وعليهم وعلى مریدهم في الآخرة كما قال الشيخ أبو الحسن على بن عثمان الغزنوي في كتاب كشف المحجوب بينما كنت أسير في خدمة شيخی بأذربایجان إذ رأينا طائفة من أصحاب الخرق قائمين على بيدر في الصحرا بين يدي الحزائين اخذين بأطراف مرقعتهم يلتمسون شيئاً من الحنطة. فالتفت إليهم الشيخ وقراء هذه الآية: أولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما ربحت تجارتهم وما كانوا مهتدين. [البقرة: ۱۸] فقلت أيها الشيخ تبرك أي حرمه ابتلاه الله تعالى لهذا وفضحهم حتى افتضحوا على رؤس الخلائق؟ فقال: كان لمشايخهم حرص على كثرة المریدين ولهم حرص على جمع الدنيا وليس أحد الحرصين أولى من الآخر.»

الأطعانی در کتاب دیگر خود روضة الحبور نیز هم نام مجدالدین و هم کتاب تحفه البرره را می‌آورد و بخش‌هایی از کتاب را نقل می‌کند. در ابتدای کتاب نام اهم آثاری که در تدوین کتابش از آنها سود برده است را می‌آورد که نام تحفة البرره در میان کتابهایی چون کتاب اللمع ابو نصر سراج و عوارف المعارف سهروردی جای دارد^۳.

۱. تحفة البرره، دستنویس ایاصوفیه ۱۶۹۵، ص ۵۱ و تذکرة المرید، ۲۶.

۲. تحفة البرره، دستنویس ایاصوفیه ۱۶۹۵، ص ۶۷ و ۶۸ و تذکرة المرید، ۲۵.

۳. روضة الحبور نسخه خطی، مرادمل، ص ۲. متأسفانه نام کتاب تحفة البرره در نسخه چاپی کتاب روضة الحبور حذف شده است. بطورکلی نسخه تصحیح شده محقق مصری چندان قابل اعتماد نیست. در برخی جاهای دیگر نیز سهوهای پیدا میشود.

بندی از این کتاب که الأطعانی به آن علاقه مند است در موضوع الباس خرقه و نقل حدیث ام خالد است که مجدالدین می نویسد که این مطلب را را به خط خود سهروردی در اجازت نامه ای دیده است.^۱ البته این حدیث در عوارف المعارف نیز ذکر شده است:

«قال: حدثتني أم خالد بنت خالد قالت «أتى النبي عليه السلام بثياب فيها خميصة سوداء صغيرة. فقال: من ترون أكسو هذه؟ فسكت القوم، فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ائتوني بأم خالد، قالت فأتني بي، فألبسنيها بيده. فقال أبلی واخلقی، يقولها مرتين، و جعل ينظر إلى علم في الخميصة أصفر وأحمر ويقول يا أم خالد هذا سناه، و السناه هو الحسن بلسان الحبشة»^۲.

بند دیگری که مورد توجه الأطعانی قرار می گیرد رؤیا یا واقعه خود مجدالدین است. در تحفة البره او جایی از خود می پرسد که چرا طی طریق در زمانه او سهل تر از ادوار پیشین است و در رؤیا خداوند راهی را به او می نمایاند که پر از مشعل های نورانی است و آن ارواح مشایخ است. و مجدالدین درمی یابد به سبب وجود مشایخ بزرگ از عهد پیامبر تاکنون راه روشن تر و نورانی تر و طی طریق آن سهل تر شده است.^۳

۴۸۵

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

خطر ببالی فی أثناء الخلوة أنه لم صار سلوك الطريق في زماننا أسهل مما كان في زمن المشايخ المتقدمة والسلف من سادات الأمة فأراني الله تعالى طريقاً فسيحاً انقلب البصر عن إدراك كنهه خاشئاً وهو حسير وإذا هو مملو بالمشاعل والأنوار وألقى في روعي أوان الرؤية هذه هي الطريقة وإن المشاعل والأنوار هي أرواح المشايخ وكلما يزداد الأنوار في الطريق يقل الظلمة فيسهل السلوك.

تفسیر حدیث معروف الإسلام بدأ غريباً... را هم که مجدالدین در تحفه البره آورده، الأطعانی در روضة الحبور نقل کرده است.^۴ این حدیث یکی از زیباترین احادیث در باب نور اسلام است. مجدالدین برای اسلام و ایمان و احسان نوری قائل است. چون باطن فرد به تیرگی روی آورد نور اسلام و ایمان در درون او خاموش می شود و جز با معالجه امکان درمان آن وجود ندارد. در این بخش مجدالدین، که طبیب نیز بوده است، حال مرید را به بیماری تشبیه می کند که برای درمانش باید از هرآنچه بر شدت بیماری او می افزاید پرهیز کند و از داروهایی استفاده کند تا نور باطن وی را افزایش دهد و بر تیرگی غلبه نماید.

۱. تحفة البره ، دستنویس ایاصوفیه، ص ۶۲، روضة الحبور ص ۲۰۱ چاپی.

۲. عوارف المعارف ؛ ج ۱؛ ص ۱۱۰

۳. تحفة البره، دستنویس ایاصوفیه ۱۶۹۵، ص ۶۸. و روضة الحبور، ۲۰۰۴، ص ۲۰۴

۴. تحفة البره ، دستنویس ایاصوفیه ۱۶۹۵، ص ۸. و روضة الحبور، ۲۰۰۴، ۲۰۵

«... فَإِنَّهُ إِذَا ظَهَرَتِ الْإِرَادَةُ فِي الْقَلْبِ وَتَحَلَّى الْعَبْدُ بِحَلِيَّةِ التَّوْبَةِ وَالْإِنَابَةِ فَهُوَ عَلَى نَوْرِ مَغْلُوبٍ مُسْتَكِنٌ فِي الْقَلْبِ غَرِيبٌ فِي وَلايَةِ الظُّلْمَةِ، كَمَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: « الْإِسْلَامُ بَدَأَ غَرِيباً وَسَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ غَرِيباً فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ » فَإِنَّ نَوْرَ الْإِسْلَامِ يَبْدُو غَرِيباً فِي وَلايَةِ ظُلْمَةِ الْجُحُودِ وَالْإِنْكَارِ فَإِنَّهُ كَمَا أَنَّ لِلْإِسْلَامِ نَوْرًا وَلِلْإِيمَانِ نَوْرًا وَلِلْإِحْسَانِ نَوْرًا... »

دو کتاب تحفة المريد لطالب المزيد و روضة الحبور و معدن السرور به فاصله دوسال از هم در سالهای ۷۹۷ق. و ۷۹۹ق. در زاویه بسطامیه حلب کتابت شدند. امروز بیش از ششصدسال از عمر این نسخه ها می گذرد. گذر ایام و دست سرنوشت این دو برادر گمشده را یکی به پرینستون در آمریکا رسانده است و دیگری در کتابخانه ای در استانبول. اما آیا آن دو هیچگاه به سرزمین اصلی خود (حلب) بازخواهند گشت و در کنار هم جای خواهند گرفت؟

فهرست منابع

- الأعلام (قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین)، خیرالدین زرکلی، جلد ۸، دار العلم للملایین، لبنان، بیروت، چاپ: ۸، ۱۹۸۹ م.
- تذکره لباب الالباب، عوفی، محمد بن محمد، به اهتمام ادوارد گرانویل براون. مصحح و مقدمه نویس محمد بن عبد الوهاب قزوینی، جلد: ۱، صفحه: ۲۹۲، ۱۳۶۱ ه. ش.، تهران - ایران، کتابفروشی فخر رازی
- خیرالمجالس ملفوظات حضرت شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلی، حمید قلندر، ۱۹۵۹، با تصحیح و مقدمه و تعلیقات خلیق احمد نظامی، انتشارات مسلم یونیورسیتی گده، ص ۲۶۶.
- روضه الحبور و معدن السرور، تصحیح احمد فرید المزیذی، قاهره: داره الکرز، ۲۰۰۴.
- سفارت نورالدین عبدالرحمن اسفراینی، محمدرضا جلالی نایینی، نشریه وزارت امور خارجه ایران، شماره ۱۰، دوره دوم.
- عوارف المعارف، شهاب الدین ابو حفص سهروردی، جلد ۲، مکتبه الثقافه الدینیة، قاهره، ۱۴۲۷ ق.
- مشاهیر رجال اسفراین، غلامرضا فسنگری، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
- معجم البلدان، یاقوت حموی یاقوت بن عبد الله. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۰.
- منارات السائرین و مقامات الطائرین، نجم الدین رازی، تصحیح سعید عبدالفتاح، قاهره: دارسعاد، ۱۹۹۳.
- منارات السائرین و مقامات الطائرین، نجم الدین رازی، تصحیح عصام ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه: ۲۰۰۴.

دستنویس ها

- تحفة البره، مجدالدین بغدادی، استانبول، کتابخانه ایاصوفیه، تاریخ ۷۱۱ ق.، شماره ۱۶۹۵.
- تحفة البره، مجدالدین بغدادی، استانبول، کتابخانه قره چلبی زاده، شماره ۳۵۳.
- تذکره المرید لطلب المزیذ، ابن الأطعانی، کتابخانه دانشگاه پرینستون. تاریخ ۷۹۹ ق. شماره ۲۲۵۰.
- تفسیر بحرالحقائق والمعانی فی تفسیرالقرآن، نجم الدین رازی، دستنویس کتابخانه حسنیه پاشا، تاریخ ۶۴۷ ق. شماره مکرر ۳۷.
- روضه الحبور معدن السرور، استانبول، کتابخانه مرادمل، تاریخ ۷۹۷ ق. شماره ۱۲۵۶.
- نامه مجدالدین بغدادی به شمس الدین، دستنویس مجلس شورای اسلامی شماره ۵۹۸ ص ۳۶۳